

## بیمه و احکام شرعی آن

### قسمت دوم

عبد الحلیم قاضی

تازه پیدا، معتبر نیست. پس مراد از عرف، آن چیزی است که اهل علم و معرفت از خردمندان روشن ضمیر و یا طبع سالم دارای فرهنگ اصیل اسلامی آن را پسند نمایند.

#### رابطه بیمه و عرف و موارد اختلاف این دو

- ۱- قیود و اوصافی که در شرع برای مشروعیت عرف معتبرند هیچکدام از آنها بر بیمه منطبق نیست و در بیمه تحقق نمی یابند. ۲- بیمه برای همیشه و همگان عرف عام نیست، بلکه ویژه بعضی از افراد است.
- ۳- اکثر دول جهان اسلام معاملات بیمه را انجام نمی دهند، و آنچه در کشورهای غیر اسلامی جریان دارد از نظر شریعت اسلامی حجت معتبر نیست، زیرا بسیاری از عادات و معاملات هستند که در جوامع غربی مروج اند ولی اسلام آنها را قبول نداشته، و روا نمی دارد، مثل: تعامل ربا. س: حال آیا انتشار این عمل نزد تک تک ملل دنیا مجوز شرعی برای ما مسلمانان به حساب می آید تا ما سزاوار این نوع معامله باشیم؟
- ۴- جایز دانستن بیمه تشویق و حمایت از استغلال و بهره کشی اموال از راههای نامشروع است، و شرع راه کسب را فقط در حلال گذاشته است نه در حرام.
- پس چون این نوع کسب مخالف بانصوص شریعت و قواعد عام آن هست نمی توان بر آن عمل کرد.

#### تعاون و همبستگی

طرفداران بیمه دلیل دیگری را که ارائه می دهند این است که: بیمه بر تعاون بین بیمه شدگان و همبستگی عمومی در

دلیل دیگر طرفداران جواز بیمه این است: بیمه در تمام جهان رواج پیدا کرده، و «عرف عام» گردیده، و در شریعت جایز است که بر عرف مردم عمل شود، و بیمه یکی از موارد «عرف عمومی» که عمل بر آن است.

در جواب آنان گفته می شود: اول تعریف شرعی عرف را بدانیم. و تعریف عرف اینست: ما استقرت النفوس علیه بشهادة العقول و تلقته الطباع السلیمة بالقبول (۵) چیزی که صاحبان طبایع سالم و پاک به شهادت عقل آنرا پذیرفته اند و عرف نامیده می شود.

#### انواع عرف

عرف بر دو نوع است: ۱- عرف صحیح، که مخالف دلایل شرعی نباشد. ۲- عرف فاسد، که در تضاد با دلایل شرعی باشد.

#### ویژگیهای عرف معتبر در شرع

- ۱- مردم منظم از آن بارها اتباع نمایند. (مطرد و فراگیر باشد).
  - ۲- مخالف با حکم شرعی ثابت در قرآن و سنت نباشد.
  - ۳- مخالف با شرایط صحیح یکی از متعاقدین نباشد.
  - ۴- آن چنانکه ابن نجیم گفته اند: قبل از استدلال به آن عرف، عرف مذکور، باید رایج باشد.
- «العرف الذی تحمل علیه الالفاظ انما هو المقارن السابق دون المتأخر، و لذا قالوا: لا عبرة بالعموم الطاری»
- «عرض که مصداق لفظی باشد و به آن می توان گفت: عرف سابقه دار و مروج است نه متأخر، بنابراین گفته اند: عموم

دفع ضرر وارده به یکی از اعضاء، بوسیله اموال اندوخته و هزینه شده، و بهره‌کشی از آنها توسط هیئتی به نام «شرکت بیمه» به نمایندگی از طرف اعضاء قائم و استوار است.

استاد مصطفی زرقاء؛ می‌گویند: «انّ الأسس الفنّیة للتأمين تستند کلها الی محور واحد و تدور علیه و هو تحقیق التضامن بین جماعة من الناس تتهدّدها مخاطر واحدة. و هذا التعاون تختلف درجة ظهوره بحسب شکل التأمين» (۴۱) و دکتر عبد الرزاق در «الوسیط» می‌نویسد: «التأمين ليس الا تعاوناً منظماً تنظیماً دقیقاً بین عدد کبیر من الناس معرضین جميعاً لخطر واحد، حتی اذا تحقّق الخطر يتلافون بها اضراراً جسيمة بمن نزل الخطر به منهم لو لا هذا التعاون، فالتأمين اذا تعاون محمود، تعاون علی البرّ و التقوی، یرّ به المتعاونون بعضهم بعضاً و يتقون جميعاً شرّ المخاطر الّتی تهددهم» (۴۲)

و دکتر محمد یوسف موسی می‌گوید: «و أرى شرعاً انه لا بأس به اذا خلا من الربا، بمعنى ان المستامن اذا عاش المدّة المنصوص علیها فی العقد التأمين استرد ما دفعه فقط دون زیادة. أما اذا لم يعيش المدّة المذكورة حق لورثته ان يأخذوا قيمة التأمين - أي العوض - و هذا حلال شرعاً» (۴۳)

### رابطه بیمه با تعاون

تعاونی که طرفداران «بیمه» می‌گویند در بیمه وجود دارد، معنایی تمام شمول‌تر و جایگاه عالی‌تری در شریعت اسلام نسبت به آنچه اینان معتقدند دارد، بنابراین:

۱- شخص کمک‌کننده هرگز از تعاون خود انتظار دریافت عوض مالی را ندارد، چون صدقه و هبه است. اما بیمه هدفش تعاون و احسان یک جانبه نیست، بلکه هدف نهایی آن دست‌یابی بر ربح بیشتر است و این که عقد معاوضه می‌باشد نه تبرّع.

۲- دیگر این که می‌گویند: بین بیمه و بیمه شدگان و یا بین خود بیمه شدگان به صورت دست‌جمعی، تعاون وجود دارد پذیرفتنی نیست؛ چون هیچ‌گونه ائتفاقی بین آنان و شرکت یا بین خودشان جهت تعاون و همبستگی و بذل احسان و نیکوکاری صورت نگرفته، بلکه صرفاً فرضیه و تئوری و تصوّر بوده که واقعیت عملی و اجرایی ندارد. و

قرار داد فقط بین شرکت بیمه از یک طرف، و بیمه شده معینی از طرف دیگر منعقد می‌شود. رابطه و حقوق و التزامات فیما بین شرکت بیمه و بیمه شده در نتیجه این قرار داد پدید می‌آید و تعاون خلاف آن است.

۳- بیمه بر اساس نظام سرمایه‌داری استوار است و در تمام نظام‌های سرمایه‌داری تعاون از رسالت و اهدافشان نبوده، و به عکس هدفشان پول‌دار شدن است.

۴- شرکت بیمه صلاحیت نمایندگی از طرف بیمه شدگان را ندارد، چون از وظایف نایب این است که به صلاح موکل خود عمل نماید و به ضرر او نمی‌تواند عمل کند. و این مسلم است که شرکتهای بیمه فقط به نفع و صلاح خودشان عمل می‌کنند و همیشه با بهانه تراشی و علل واهی و تعلّل می‌خواهند از زیر بار تعهدات خود شانه خالی کند.

و باز وقتی بیمه شده پول را به شرکت پرداخت کرد دیگر مالکیت او از این مبلغ سلب شده و اصلاً حق تصرف در آن یا اعتراضی را ندارد، و شرکت بیمه هر طور که صلاح می‌داند با آن پول معامله می‌نماید.

۵- وصایه و ولایه: وصایه و ولایه بر کسی فرض می‌شود که اهلیت تصرف را نداشته باشد. ولی مگر بیمه شدگان اهلیت تصرف را ندارند؟ ثانیاً: برای ولی و وصی صلاح نیست که خلاف مصالح موصی له عمل نماید. و عقد بیمه از این مسایل به دور است.

۶- عقد بیمه اگر سودی در آن پیدا شود جبراً خسارت بیمه شده را تقبل می‌کند و عکس این هم صادق است، یعنی: اگر سودی پیدا نشود جبران خسارت وارده هم تقبل نمی‌کند، و این عقد معاوضه‌ای است که قسط پرداختی، قائم مقام ثمن در بیع می‌باشد. حال در این نوع معامله آیا مسئله تعاون بشری بطور واقعی دیده می‌شود؟

۷- جری فور دانشمند آمریکایی در کتاب «فلسفه النظام التعاونی فی المجتمعات الحدیثة» اعتراف می‌کند که: شرکت بیمه یک مؤسسه تعاونی نیست، بلکه کوشش برای بدست آوردن سود بیشتر جهت خدمت‌رسانی به مستهلکین می‌باشد و بیمه تجاری نیز از این دسته به شمار می‌رود.

تمام مبالغ پرداختی (اقساط = حق بیمه) را با مقداری اضافی بدون عوض از شرکت بیمه دریافت می‌دارد، و این مبلغ اضافه چیزی جز ربا نمی‌تواند باشد؛ چون اقساط پرداختی از طرف فرد بیمه شده به شرکت بیمه قرض بوده، و آنچه که شرکت بیمه بعنوان به او در مقابل قرض داده شده می‌دهد ربا بشمار می‌رود. (۴۵)

۲- شرکتهای بیمه این اموال متمرکز شده (هزینه شده) را در طرحها و برنامه‌های ربوی محض بکار می‌گیرند مثل اعطای وام با بهره و سود با درصد معینی، در صورتی که معامله با این گونه شرکتهای کمک و تعاون در گناه است. و اگر در ادای قسط (حق بیمه) تأخیر شود خسارت تأخیر (دیرکرد) به آن نیز اضافه می‌شود.

۳- اگر دارنده بیمه اقساط را در مدت مقرر پردازد، همان اقساط را با مقداری اضافه از شرکت دریافت می‌دارد که این مبلغ اضافی در مقابل زمان و أجل، و استحقاق مال بدون پرداخت عوض آن می‌باشد.

۴- اگر بیمه شده قسط بیمه را پردازد و خطر روی دهد، خود بیمه شده یا ورثه‌اش مبلغ توافق شده را ولو اینکه مبلغ بالایی باشد را از شرکت می‌گیرد و این «ربای فضل» است.

۵- بیمه هیچ‌گاه خالی از شک و شبهات نیست و این برای دوری و پرهیز از آن کافی است، چون در حدیث شریف آمده است:

«دع ما یریبک الی ما لا یریبک» (۴۶) «الحلال بین و الحرام بین و بینهما امور مشتهات لا یعلمها کثیر من الناس، فمن ترک الشبهات فقد استبرأ لدينه و عرضه» (۴۷)

۶- به هیچ وجه در بیمه از ربای فضل در وقت متفاوت بودن، بدلین و ربای نسیئة امکان‌رهایی نیست؛ چون تأجیل مبلغ بیمه یا عوض خطر در قرار داد اصل و رکن هستند، و تمائل عوضین بنابر جهالت موجودی در آن در مستقبل مشکوک است؛ و شک در تمائل، عین وجود و تحقق تفاضل است. پس معلوم می‌شود که بیمه موجود خالی از ربا نیست.

### غَرَر یا خداع و فریب

تعریف شرعی غرر: «المجهول العاقبة» (۴۸) أو «هو الخطر

بنابراین شرکتهای بیمه نوعی از احتکار اموال را دنبال می‌کنند مالی بوده که ضررهای زیادی بر پیکر اقتصاد و جامعه وارد میکند.

### بیمه از دیدگاه فقهای معاصر

در بخشهای گذشته مستندات طرفداران بیمه را بیان داشتیم ولی دیدیم که این مستندات جایگاه علمی نداشته؛ بلکه فقهای شریعت اسلامی معتقدند که بیمه با معاملات نامشروع مثل: ربا، غرر، قمار، جهالت و حیف و میل اموال مردم به ناحق بیشتر مشابه و نزدیک است، سعی می‌شود در این صفحات به توضیح و تبیین آن پردازیم.

### ربا

انواع ربا: ۱- ربا الفضل، «هو زیادة احد العوضین فی متحد الجنس کمن أبدل قمحاً بقمح بزیادة، کما فی الحدیث النبوی: الذهب بالذهب... الحدیث» (۴۴)

۲- ربا النسیئة: «و هو قرض الدراهم الی أجل بزیادة علی مقدار ما استقرض، و قد یأخذ صورة غیر الزیادة، لکن اذا حال الاجل؛ قال له: اما ان تربی، و بعبارة اخری «أزیدک فی الأجل و تزید فی المال».

### حکم ربا

هر دو قسم ربا بنابر کتاب الله و سنت و اجماع حرامند.

### رابطه بیمه و ربا

ثابت است که ربا به آن مقدار اضافی گویند که مدیون آنرا علاوه از سرمایه به دائن می‌دهد، یا آنرا در مقابل أجل معلوم به او می‌دهد. پس ربا متشکل از سه جزء می‌باشد:

۱- زائد از سرمایه. ۲- تعیین اضافه به اعتبار مدت (أجل). ۳- مشروط بودن آن در معامله.

هر معامله‌ای این اجزاء سه‌گانه در آن یافته شود بدون شک ربوی محسوب می‌شود و این اجزاء سه‌گانه در بیمه به وفور دیده می‌شوند که آن را ذکر می‌نمائیم.

۱- در بیمه زندگی (حیات): اگر مدت بیمه خاتمه یابد و شخص بخواهد مزایای پنج ساله بیمه شامل حال او گردد،

الذی استوی فیہ طرف الوجود و العدم بمنزلة الشک» (۴۹)

چیزی که سر انجام آن مجهول و نا مشخص باشد. یا اینکه: غرر خطری است که وجود و عدم وجود آن برابر باشند و بمنزله شک است.

## انواع غرر

غرر بر سه نوع است: ۱- معدوم: مانند حمل حیوان. ۲- آنچه که تسلیم آن ناممکن است مثل: برده فراری. ۳- مجهول مطلق، یا چیز معینی که جنس و مقدار آن مجهول باشد، مانند این مسئله که گویند: غلامی را به شما فروختم، یا آنچه که در خانه‌ام هست به شما فروختم و بیوع فاسده، مزابنه، منابذه، ملامسه و غیره.

## رابطه بیمه با غرر

۱- در بیمه حیات موقت به یک مدت، اگر فرد بیمه شده در خلال آن مدت نمیرد شرکت بیمه هیچ گونه تعهدی نسبت به او نخواهد داشت و اقساط پرداختی (حق بیمه) از دست او رفته است.

۲- در بیمه کالاهای و مزارع و مرکبات، دارنده بیمه مقدار ثابت عوض احتمالی را نمی‌داند که به هنگام انعقاد قرارداد چه مبلغی را در آینده دریافت می‌دارد، و شرکت بیمه نیز مقدار آنچه را که در آینده باید بپردازد نمی‌داند، و گاهی اصلاً ضروری بر بیمه‌گذار وارد نمی‌شود.

۳- بعضی اوقات شرکت بیمه مبلغ بالایی مازاد بر آنچه که گرفته را متحمل می‌شود، که بر غرر استوار بوده، و در ثانی دست یابی بر مال هنگفتی بدون متحمل شدن مشقتی است که این در اسلام نامشروع می‌باشد.

۴- بر فرض این که غرر منجر به نزاع و درگیری نشود باز هم بیمه جایز نمی‌شود، چون تنها علت عدم مشروعیت آن وجود نزاع نیست.

۵- زمان وقوع، نوع و مقدار یکی از عوضین مجهول است، وقوع و عدم وقوع آن محتمل است و اصل غرر این است که علم و سر آن از انسان مخفی و پوشیده باشد؛ نه اینکه تنها غرر در بیمه وجود دارد بلکه غرر وصف لازمی بیمه است.

## غبن و رابطه بیمه و غبن

۱- در وقت انعقاد قرار داد بیمه حوادث، مقدار عوض اعطائی که در آینده باید توسط بیمه‌گر یا شرکت بیمه به بیمه‌گذار پرداخت شود مجهول است.

۲- بر شرکت بیمه مقدار اقساط (حق بیمه) پرداختی از طرف بیمه‌گذار در انعقاد وقت قرار داد نامعلوم است چون امکان دارد که بعد از پرداخت یک قسط یا دو قسط، حادثه به وقوع پیوندد و بیمه‌گر ملزم به پرداخت مبلغ بیمه می‌شود. و گاهی تمام اقساط را می‌گیرد و حادثه هم واقع نمی‌شود و چیزی را از دست نمی‌دهد.

۳- خود حادثه هم مجهول است و وقوع آن احتمالی است، وقوع و عدم وقوع آن یکسان است.

۴- گاهی اقساط مورد نظر بر اثر تغییر مورد بیمه شده، مثلاً: منزل تبدیل به یک پمپ بنزین شود، بالا می‌رود و شرکت او را ملزم به پرداخت حق بیمه‌ای بالاتر می‌نماید؛ ولی اگر برعکس شود تبدیل پمپ بنزین به محلی غیر قابل اشتعال، مانند: منزل و پارکینگ و غیره، صاحب پمپ مبلغ فوق را که زاید از حق بیمه منزل و پارکینگ می‌باشد حق استرداد آنرا از شرکت بیمه ندارد.

۵- اگر دارنده بیمه از دادن اقساط باقیمانده بنا به عجز و افلاس امتناع ورزد، شرکت هیچ گونه مسئولیت و تعهدی در قبال صاحب بیمه ندارد.

## قمار و رابطه بیمه و قمار

بیمه ارتباط و پیوند محکمی با قمار دارد و آن اینکه:

۱- عنصر مخاطره در بیمه آشکار است، چون احتمال وقوع و عدم وقوع را دارد که این بعینه «قمار» است.

۲- قراردادهای همیشه بر پایه و اساس مساوات عوضین استوارند، ولی در بیمه چنین نیست، بلکه عوضی که دارنده بیمه در بیمه حیات به هنگام وفات می‌گیرد به مراتب بیشتر از تمام اقساط پرداختی است. و این تفاوت آشکار بیمه را در ردیف «قمار» قرار می‌دهد، و برقراری تساوی در بعضی حالات نمی‌تواند جواز آن را توجیه کند، چون بنای احکام بر اکثر و غالب است.

## جایگزین اسلامی بیمه مروج در عصر حاضر

بسیاری از مردم بر این باورند که بیمه منافع بی نظیری برای آنان به دنبال دارد غافل از این که بیمه دارای این همه مضرات و مفسد شرعی است. و از سوی دیگر شریعت اسلام متکفل تمام نیازهای بشری و دورکننده تمام مفسد و مضار است، و هیچ گاه اسلام در مقابل مشکلات و حوادث خشک و خاموش و حیران نایستاده، بلکه اسلام برای هر مشکلی هر چند که علوم و فنون و شعبه‌های زندگی آن پیچیده و متنوع گردانند، راه حلی را ارائه داده و این دست توانا و امینی می‌خواهد که با برنامه ریزی دقیق و جهت دار کردن آن ما را از قوانین وارداتی غربی که با روح اسلام سازگار نیست، بی‌نیاز نماید. اسلام قائم بر رعایت فضائل از قبیل صداقت، امانت، وفای به عهد و عدالت بوده و به توثیق و تحکیم رابطه فرد با برادر مسلمانش و رابطه او با پروردگارش به بهترین نحو سعی بلیغ نموده است.

بعد از اینکه بشریت را از قید بندگی غیر الله خارج و آزاد کرد تمامی امور زندگی و معیشتی او را هموار کرد و احکام معاملات مداینات، ودیعه و رهن و کفاله و حواله را طرح ریزی نمود؛ بلکه رزق هر فرد را با تعاون و همیاری و مساوات تأمین نمود، و قرآن کریم به آن امر می‌نماید: تعاونوا علی البر والتقوی و لا تعاونوا علی الاثم والعدوان (۵۱) و قوله: «ایما اهل عرصه أصبح منهم امرؤ جائع فقد برئت منهم ذمة الله» (۵۲)

و تکامل و همیاری در اسلام نسبت به همه مردم تضمین شده، و در احکام زیادی مثل زکات که رکن بارز اجتماعی در اسلام است، و حق مشروعی برای او در اموال اغنیاء «و فی اموالهم حق للسائل والمحروم» ثابت گردیده است. اگر اغنیاء به فقراء رسیدگی کرده، و فقراء به آن بسنده نمایند جامعه‌ای به وجود خواهد آمد که از مفسدتی مثل: دزدی، غش، خدیعه، و دیگر بزهکاریهایی ناشی از فقر، در امان خواهد بود. و در قرآن مجید آمده است: انما الصدقات للفقراء و المساکین و العاملين علیها و المؤلفة قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل الله و ابن السبیل... (۵۳) و از نظام زکات، صدقات، کفارات متنوع، وقف در راه

۳- دارنده بیمه به هنگام قرار داد با پرداخت مبلغی اندک آرزوی دست یابی به مبالغ زیادی دارد که «قمار» نیز چنین است، و در قمار باید یکی از دو طرف ضرر، و دیگری فایده ببرد و مساوات و ضرر آن دو محال می‌باشد؛ و بیمه دارای همه این ویژگیها است.

## جهالة

بحث آن در خلال مباحث گذشته آمد.

## حیف و میل اموال مردم به ناحق

قال تعالی: «ولا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل» (۵۰) (خداوند متعال فرموده‌اند: اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) نخورید.)

## رابطه بین این مبحث

معاملات بیمه از قبیل حیف و میل اموال مردم به ناحق است، چون:

۱- بسا اوقات فرد بیمه شده بر اموال خود که به شرکت پرداخت کرده است دست نمی‌یابد؛ و این زمانی است که حادثه‌ای برای او پیش نیاید و این اموال پرداختی حق خالص مستأمن و بیمه شده‌اند و آنها را حیف و میل می‌نمایند بدون این که اندک تعهدی در قبال آن هم داشته باشند.

۲- بسا اوقات برای مستأمن (بیمه شده) پیش می‌آید که اضافه از آنچه که داده به سازمان بیمه استفاده می‌کند. باز هم همان مشکل فوق صدق پیدا می‌کند.

۳- اگر مستأمن بعد از انعقاد قرار داد یا بعد از دادن یک قسط وفات کند و یا حادثه‌ای برای او پیش بیاید تمام مبلغ مورد اتفاق را ما زاد بر آنچه که داده از شرکت دریافت می‌دارد و این همان «ریا» به شمار می‌رود.

۴- پرداخت مبلغ از طرف شرکت مشروط به وقوع حادثه معینی است و امکان دارد اصلاً آن واقعه، واقع نشود و این قمار و حرام است.

۵- بیمه مشتمل بر شروط فاسدی است و این در نوع خود باطل کننده آن می‌باشد.

حذف فقر و ناداری با تبلیغ روز مره و خستگی ناپذیر و ایجاد یک صندوق خیریه عمومی و تعاونی، به این حدیث رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - (کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ، و الرجل راع فی اہله و مسئل عن رعیتہ) الحدیث. (۵۴) و ایضاً: (المؤمن للمؤمن کالبنيان يشد بعضه بعضاً) (۵۵)

(مثل المؤمن فی توادهم و تراحمهم و تعاطفهم کمثل الجسد اذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر و الحمى) (۵۶) جامعه عمل پوشانید تا مردم از شر قوانینی چون بیمه رهایی یابند و ما ذلك على الله بعزیز، و ما توفیقی الا بالله عليه توكلت و اليه اُنیب.

و صلی الله على سيدنا محمد و على آله و صحبه و سلم

- ۱۸- تاج العروس: ۲۶۵/۹
- ۱۹- مجمع الانهر: ۱۲۳/۲
- ۲۰- جواهر الاكليل: ۱۰۹/۲
- ۲۱- المحلى على المنهاج: ۳۲۳/۲
- ۲۲- حاشية قليوبى و عميرة: ۳۲۳/۲
- ۲۳- تفسير ابن عباس: ۲۰۰
- ۲۴- سبل السلام، به نقل از بخارى: ۶۳/۳
- ۲۵- فتح العلام: ۴۹/۲، سبل السلام: ۲۳/۲
- ۲۶- التامين فى الشريعة و القانون: ۶۱
- ۲۷- حاشية ابن عابدين: ۲۷۱/۳
- ۲۸- مجمع الأنهر: ۳۶۸/۲
- ۲۹- جواهر الاكليل: ۱۸۴/۲
- ۳۰- حاشية قليوبى و عميرة: ۹۷/۲
- ۳۱- حاشية الروض المربع: ۲۹۴/۲
- ۳۲- التنف فى الفتاوى: ۸۹۲/۲
- ۳۳- حاشية قليوبى و عميرة: ۱۳۰/۳
- ۳۴- محاسن التأويل، قاسمى: ۱۴۴/۱۶، التامين فى الشريعة و القانون: ۱۲۶

- ۳۵- الموافقات: ۴/۲، المستصفى: ۲۸۷/۱
- ۳۶- المجلة العدلية
- ۳۷- جامع البيان عن التأويل القرآن: ۸۷/۶
- ۳۸- تاج العروس: ۳۴۹/۳
- ۳۹- جامع البيان عن التأويل القرآن: ۸۷/۶
- ۴۰- التعريفات، جرجانى: ۶۴
- ۴۱- عقد التامين و موقف الشريعة الاسلامية: ۳۹۵
- ۴۲- الوسيط، فى شرح القانون المدنى المصرى: ۲/۷، ۸۷
- ۴۳- اسبوع الفقه الاسلامى: ۳۸۲
- ۴۴- صحيح مسلم: ۲۵/۱۱، ۲۶، نيل الأوطار: ۲۹۷/۵
- ۴۵- عقد التامين بين الشريعة و القانون: ۳۰۸
- ۴۶- المقاصد الحسنة: ۲۱۴، رقم الحديث: ۴۹۰
- ۴۷- قواعد الأحكام: ۱۰۲/۲، عز الدين بن عبد السلام
- ۴۸- مجموعة الفتاوى: ۲۲/۲۹، ابن تيميه
- ۴۹- بدائع الصنائع: ۴۲/۵
- ۵۰- القرآن الكريم، البقرة: ۱۸۸
- ۵۱- القرآن الكريم، المائدة: ۲
- ۵۲- المسند: ۴۸۸/۷، المحلى: ۲۲۸/۶، ۲۲۵
- ۵۳- القرآن الكريم، التوبة: ۶۰
- ۵۴- مسلم: ۲۱۳/۱۲، بخارى: ۶۲/۹

- ۱- التامين، شوكت عليان: ۳
- ۲- المبادئ النظرية و الاسس التطبيقية:
- ۳- التامين و موقف الشريعة الاسلامية: ۱۳
- ۴- الخطر فى التامين البحرى: ۱
- ۵- التامين، لعليان، ۱۸
- ۶- عقد التامين بين الشريعة و القانون، أحمد النجدى: ۳۰
- ۷- بيمه عمر، محدودلى جوهریان: ۶۴
- ۸- التامين، لعليان: ۲۰، قوانين التامين: ۸، ۹
- ۹- التامين، لعليان: ۲۰ منقول از قوانين التامين: ۳۰، ۳۱
- ۱۰- التامين فى الشريعة و القانون: ۲۰ به نقل از مبادئ التامين: ۹۰
- ۱۱- التامين، لعليان: ۲۳ به نقل از قوانين التامين: ۳۰
- ۱۲- التامين: ۲۳، منقول از قوانين التامين: ۳۰
- ۱۳- التامين الشريعة و القانون: ۳۱ منقول از التامين المبادئ النظرية: ۱۸، ۱۹، ۲۰
- ۱۴- بيمه عمر، محمد ولى جوهریان: ۹۲
- ۱۵- التامين فى شريعة و القانون: ۳۹، منقول از التامين مبادئ النظرية: ۱۵۳
- ۱۶- رد المحتار على الدر المختار: ۲۷۱/۳، محمد امين ابن عابدين، مجمع الانهر: ۱۴۶/۲ التامين فى شريعة و القانون: ۴۶
- ۱۷- اسبوع الفقه الاسلامى: ۴۱۰